

تأثیر قرآن کریم بر زندگی انسانها



امروزه چقدر نیازمند بازگشت به قرآن میباشیم، نه برای اینکه تنها آن را تلاوت کنیم، نه برای اینکه به آن حکم کنیم، نه برای اینکه به آن گوش فراگیریم، نه برای آنکه در آن تدبر کنیم، نه برای آنکه آن را حفظ کنیم، نه برای آنکه ابعاد اعجازی آن را بیان کنیم، نه برای آنکه آن را مدرسه کنیم و در برابر برخی از اسرار آن توقف نماییم؛ بلکه به خاطر مهمی اینها و دیگر اسرار و عجایبی که قابل شمارش نیستند باید به آن مراجعه کنیم.

در حدیثی که برخی از انوار و اسرار قرآن را بیان میکند چنین آمده است: **فِيهِ نَبَأُ مَا قَبْلَكُمْ وَخَبْرُ مَا بَعْدَكُمْ وَحُكْمٌ مَا بَيْنَكُمْ، لَيْسَ بِالْهَزْلِ، مَنْ تَرَكَهُ مِنْ جَبَّارٍ قَصَمَهُ اللَّهُ وَمَنْ ابْتَغَى الْهُدَى فِي غَيْرِهِ أَضَلَّهُ اللَّهُ، وَهُوَ حَيْلُ اللَّهِ الْفَتِيْنِ وَنُورُهُ الْمُبِينِ وَالذِّكْرُ الْحَكِيمُ، وَهُوَ الْمَرَاتُ الْمُسْتَقِيمُ، وَهُوَ الَّذِي لَا تَزِيغُ بِهِ الْأَهْوَاءُ، وَلَا تَلْتَبِيسُ بِهِ الْأَلْسِنَةُ، وَلَا تَتَشَعَّبُ مَعَهُ الْأَرَاءُ، وَلَا يَشْبَعُ مِنْهُ الْعُلَمَاءُ، وَلَا يَمَلُّهُ الْأَتْقِيَاءُ، وَلَا يَخْلُقُ بِكَثْرَةِ الرَّدِّ، وَلَا تَنْقُضِي عَجَائِبُهُ*** در این قرآن اخبار امتهای پیش از شما، و نسل بعد از شما وجود دارد، این قرآن در میان شما حکم و داور میباشد، شوخی و بیهوده نیست، هر ظالمی که آن را ترک کند، خداوند او را درهم میشکند، و هر کس هدایت را در غیر آن طلب کند، خداوند او را گمراه میکند. این قرآن ریسمان محکم خداوند و نور روشنگر او و ذکر حکیم و صراط مستقیم است و حقیقتی است که هواها و هوسهای آدمیان در آن لغزش و انحرافی ایجاد نمینماید. و زبانها با آن اختلاط نمییابد، و با آن آراء و نظریهها متفاوت نخواهد بود، دانشمندان از آن سیر نمیشوند، پرهیزگاران از آن خسته نمیگردند، با تکرار فراوان کهنه نمیشود، و عجایب آن پایان نمیپذیرد. (سنن دارمی ۲/۵۲۶ و مشکاة المصابیح ۱/۶۶۱)

مسلمانان نخست از جمله سلف این امت به گوهرهای این قرآن و رسالت آن دست یافتند، پس طبیعت و سلوکشان را با منهج آن تطبیق نمودند و از سفرهی آن آموزش دیدند و آداب آن را فرا گرفتند؛ در حدیث شریف آمده است: **إِنَّ هَذَا الْقُرْآنَ مَأْدِبَةُ اللَّهِ؛ فَتَعَلَّمُوا مِنْ مَأْدِبَتِهِ مَا اسْتَطَعْتُمْ.. إِنَّ هَذَا حَيْلُ اللَّهِ، وَهُوَ النُّورُ الْمُبِينُ وَالشِّمَاءُ النَّافِعُ، عُمِيمٌ مَنْ تَمَسَكَ بِهِ، وَنَجَا مَنْ اتَّبَعَهُ، لَا يَعْوَجُ فَيَقْوَمُ، وَلَا يَزِيغُ فَيُسْتَعْتَبُ، وَلَا تَنْقُضِي عَجَائِبُهُ** همانا این قرآن سفرهی مهمانی خداوند است، پس از سفرهی خداوند به اندازه‌ی تواناییتان بهره بگیرید... این قرآن ریسمان محکم خداوند است، و نور درخشان و شفای سودمند است، هر که به آن تمسک جوید، محافظت میشود، و هر کس از آن پیروی کند، نجات مییابد. ناهموار نمیشود تا اینکه راست گردانده شود، از راه راست منحرف نمیشود تا اینکه اصلاح گردد و عجایب آن پایان نمیپذیرند. [به روایت دارمی ۲/۵۲۵ و ابن ابی شیبیه ۶/۱۲۵ و عبد الرزاق ۳/۳۷۵].

قرطبی: در این مورد میگوید: قرآن به کاری نیک تشبیه شده است که خداوند آن را برای مردم انجام داده و خیر و منافع آنان را در آن قرار داده سپس مردم را به سوی آن دعوت میکند. در کلمه **مَأْدِبَةُ اللَّهِ** "مأدبة" و "مأدبة" گفته شده است. پس کسی که میگوید: "مأدبة" مقصودش چیزی بوده که انسان آن را انجام میدهد سپس مردم را به سوی آن دعوت میکند و کسی که گفته "مأدبة" آن را بر وزن **مَفْعَلَةٌ** میدانند که از ادب گرفته شده است. آن را به سوی ادب میکشاند. تفسیر قرطبی ۱/۶

لذا عربها که مسلمانان نخستین بودند اولین کسانی بودند که متأدب به آداب قرآن گردیدند، و میتوانید چنین تعبیر نمایید که آنان هنگامی که به قرآن و سنت تمسک جستند و مطابق قرآن و سنت تربیت یافتند، سروری دنیا را به دست آوردند و زمین را پر از نور و عدالت نمودند و با برافراشتن پرچم توحید و از بین بردن تاریکیهای کفر، شرک، جاهلیت، کینه و دشمنی زمین را آباد نمودند، پس با این نعمت الهی یکتاپرست و برادر و دوستدار یکدیگر گردیدند، گفتار، کردار و اخلاقتان استوار و برگرفته از کتاب و سنت بود.

قرآن کریم پیوسته دارای تأثیر قوی و نخستین مؤثر در تقویت روابط ایمان به خداوند عز و جل و ریشه دوانیدن عقیده‌ی توحید و دعوت به هرگونه اخلاق حسنه و نهی از هرگونه اخلاق رذیله و زشت بوده و به اذن خداوند تا قیام قیامت خواهد بود، این تأثیر قرآن هنگام نزول آن بعد از بعثت محمد(ص) نمایان گشت که بر اندیشه، اخلاق، عاداتها، روش زندگی و عقیده‌ی عربها و غیر عربها در عصر اولیه اسلام و زمانهای بعدی تأثیر گذاشت تا اینکه به زمان ما رسید، هنگامی که دانشمندان، مفکرین و محققین فراوانی را میبینیم که بعد از پی بردن به اعجازهای علمی قرآن و حتی گاهی با مطالعه ترجمهی آن به اسلام می‌گروند، بر تأثیر آن بر نسلها تأکید مینمایند. لذا ما تأثیر قرآن بر زندگی عربها و غیر عربها را در زمان حاضر در بخشهای آتی خلاصه میکنیم.

* نخست: تأثیر قرآن کریم بر زندگی عربها؛ اگر بخواهیم از تأثیر قرآن کریم بر زندگی عربها پی ببریم باید آن را در دو زاویه مورد مطالعه قرار دهیم.

- سطح افراد و سطح جماعت عرب

اما تأثیر قرآن در سلوک افراد:

ما میتوانیم بر تأثیر تلاوت یا شنیدن برخی از آیات قرآن کریم بر زندگی و عقیده و منهج برخی افراد در بدو اسلام با ارائه نمونههایی واقف شویم.

(الف) نمونه اول :

عمر بن خطاب رَضِيَ اللهُ عَنْهُ یکی از سران کفر به شما میآمد و کسانی را که مسلمان میشدند آزار میداد، او هنگامی که از مسلمان شدن خواهرش فاطمه و دامادش سعید بن زید رضی اللهُ عَنْهُمَا با خبر شد، برخاست و با خشم و عصبانیت به سوی آنان رفت تا از ایشان انتقام بگیرد، هنگامی که بر آنان وارد شد صفحهای از قرآن را در نزد ایشان یافت که آیات اول سوره طه در آن نوشته شده بود آنجا که خداوند میفرماید: **إِنِّي أَنَا اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنَا فَاعْبُدْنِي وَأَقِمِ الصَّلَاةَ لِذِكْرِي** در جا مسلمان شد و روش زندگیش را تغییر داد. [مراجعه شود به طبقات الکبری ۳/۲۶۸]

(ب) نمونه دوم:

سعد بن معاذ رَضِيَ اللهُ عَنْهُ زمانی که هنوز مشرک بود، قبل از هجرت پیامبر به مدینه روزی از آمدن مصعب بن عمیر برای دعوت مردم به سوی اسلام به مدینه با خبر شد، نیزه‌اش را برداشت و به سوی او رفت، اما هنگامی که مصعب رَضِيَ اللهُ عَنْهُ آیات زیر را برایش قرائت نمود که خداوند میفرماید: **حَمَّ * وَالْكِتَابِ الْمُبِينِ * إِنَّا جَعَلْنَاهُ قُرْآنًا عَرَبِيًّا لَعَلَّكُمْ تَعْقِلُونَ** [زخرف ک ۱-۳] در آن لحظه مسلمان شد و سبب اسلام آوردن قومش نیز گردید. [حیة الصحابة: ۱۷۰-۱۷۱ و سیره ابن هشام ۵۲-۲/۵۳]

● اما تأثیر قرآن بر روش زندگی جماعت عرب:

ممکن است بر اثر تربیتی قرآن به معنی گسترده‌ی آن از جمله تربیت روحی و اخلاقی در جماعت عربها در خلال شهادت یکی از اشراف و بزرگان اولیه آنان یعنی جعفر بن ابیطالب رضی اللهُ عنه هنگامی که به حبشه هجرت نمودند در برابر نجاشی واقف گردید.

جعفر بن ابی طالب در سخنرانی معروفش در برابر پادشاه حبشه فرمود:

ای پادشاه! ما گروهی نادان و بت پرست بودیم، بت میپرستیدیم و از خوردن مردار اجتناب نمی‌کردیم. از ارتکاب فحشا و بی بند و باری باکی نداشتیم. رشته‌ی خویشاوندی را میبریدیم، همسایه نزد ما احترام و ارزشی نداشت، زورمندان ما افراد ضعیف را از بین میبردند، ما اینگونه روزگار بسر می‌بردیم تا اینکه خداوند از میان ما پیامبری برگزید که ما نسب او را می‌شناسیم و از درستکاری و امانتداری و پاکدامنی او آگاهیم، او ما را به توحید و یکتاپرستی دعوت نمود و از عبادت بتها و سنگهایی که ما نیز همانند اجدادمان میپرستیدیم، پرهیز نماییم. او ما را به راستگویی، امانتداری، و انجام صله‌ی رحم و خوشرفتاری با خویشاوندان و همسایگان و اجتناب از کارهای ناروا و خونریزی توصیه نمود و از ارتکاب فحشا و دروغگویی و خیانت در اموال یتیمان و نسبت دادن زنان پاکدامن به کارهای زشت باز داشت. به ما دستور داد که تنها خدای یگانه را عبادت کنیم و احدی را با او شریک نسازیم، نماز بخوانیم و زکات بپردازیم و روزه بگیریم به البدایه والنهایه ۴/۱۸۲-۱۸۳ مراجعه شود.

از آنچه گذشت به نتیجه میرسیم که جعفر بن ابی طالب اخلاقیهای فاسد عربهای آن زمان را در شش مورد خلاصه نمود که عبارتند از:

(۱) عبادت و بندگی برای بتها، عقل انسان در چه درجه‌ی پستی قرار میگیرد هنگامی که برای مخلوقی کمتر از خود یا مانند خود عبادت کند.

(۲) خوردن گوشت مردار، که دارای ضررهای فراوانی میباشد.

(۳) انجام فواحش و کارهای خلاف عفت. فواحش دارای معنی گسترده‌ای میباشد و شامل هر آنچه خلاف عفت بوده و عقل سالم آن را نپذیرد از قبیل زنا، لواط ... میآید.

(۴) قطع صله رحم. که آن هم یکی از اسباب از هم پاشیدن جامعه و تشتت می‌باشد.

(۵) بدی با همسایه.

(۶) پایمال شدن ضعیف توسط قوی. که قانون جنگل است، ضعیف در جنگل امان ندارد.

همچنین مهمترین نمونه‌های اخلاقی را که اسلام آنان را بر اساس آن تربیت نموده و پیامبر صلی اللهُ علیه و سلم به آن دعوت کرده بود با استناد به قرآن و سنت بیان نمود؛ از جمله:

(۱) عبادت و بندگی برای خدای یگانه و شریک قرار ندادن کسی یا چیزی با او.

(۲) راستگویی و امانتداری

۳) صلهی رحم و نیکی با همسایه

۴) دوری از حرامها و نریختن خون کسی به ناحق

۵) نهی از فواحش و گفتن سخن دروغ و خوردن مال یتیم و تهمت زدن به زنان پاک دامن

۶) ادای نماز و زکات و روزه.

• دوّم: تأثیر قرآن بر غیر عربها

قرآن تأثیرات فراوانی بر زندگی غیر عربها داشته است که دو نمونه برای اثبات این مدعا کفایت میکند.

• نمونه ی اوّل: نجاشی رضی اللّٰه عنه که پادشاه حبشه و یکی از بزرگان مسیحیت به شمار می‌آمد، هنگامی که جعفر بن ابی طالب خدا از او راضی باد آیات ابتدای سورهی مریم را بر او خواند، به گریه افتاد و تا حدی گریه کرد که ریشش بر اثر آن خیس شد، همچنین اسقفهایی که در حضور وی بودند با شنیدن آن آیات تا حدی که ریششان خیس شد گریستند. سپس نجاشی خطاب به آنان گفت: این آیاتی که جعفر تلاوت نمود و آنچه که بر عیسی علیه السلام نازل شده است از یک منبع می‌باشند. [سیره ابن هشام: ۱/۳۴۹]

• نمونه دوّم:

جنوب شرق آسیا که با شمشیر و جنگ فتح نشد بلکه اسلام از طریق تاجران مسلمان که با تاجران آنجا خرید و فروش میکردند، به آنجا وارد شد، اخلاق و روش برخورد صحیح تاجران مسلمان سبب شد تا آنان شیفتهی دین اسلام برگرفته از قرآن و سنت گردیده و به آغوش آن پناه بیاورند. [حاضر العالم الاسلامی ۱/۳۳۹]

• سوّم: تأثیر قرآن در زندگی غیر مسلمانان در جهان معاصر:

بیگمان امتداد اسلام در هر نقطه از سرزمین، امتداد نور قرآن و سنت میباشد و بر این تأکید میکند که قرآن کتاب بر حق و نازل شده از جانب پروردگار با حکمت و ستوده میباشد.

همچنین امروزه گسترش اسلام در کشورهای قاره اروپا و آمریکای شمالی و جنوبی و استرالیا از جمله قویترین دلیل بر صلاحیت این کتاب برای هر زمان و مکان بوده و بیانگر قدرت و توانایی آن بر مخاطب قرار دادن خرد انسانها در پیشرفتهترین زمانها میباشد.

کافی است به دو نمونه از غیر مسلمان در جهان معاصر اشاره کنیم که قرآن سبب تربیت و تزکیه دل ایشان گردیده است و آنان را به کانون توحید و ایمان کشانده است:

• نمونه ی اول:

محمد جون ویستر رئیس بعثتی اسلامی انگلیسی، او در خانوادهای مسیحی پروتستان در سال ۱۹۳۰ چشم به جهان گشود، بعد از رشد و رسیدن به سن بلوغ در عقاید مسیحیت و کمونیستی متحیر و سرگردان مانده بود، هنگام اقامت در استرالیا، از کتابخانه عمومی سیدنی نسخهای از قرآن کریم را تحویل گرفت، با مطالعه مقدمهی آن تعصب او بر علیه اسلام به جوش آمد، کتاب را بست و رها کرد، بعد از چند هفته در بیرث غرب استرالیا به دنبال نسخهای از قرآن به شرط اینکه مترجم آن مسلمان باشد، گردید. بعد از مطالعهی آن میگوید نمی‌توانم اندازهی متأثر شدن خویش با مجرد تلاوت اولین سورهی آن یعنی سوره فاتحه را بیان کنم. سپس زندگینامهی پیامبر صلی اللّٰه علیه و سلّم را مطالعه کردم و چندین ساعت در کتابخانه غرق مطالعه شدم. آن روز بود که گمشدهام را یافتم. سپس از کتابخانه بیرون آمدم تا فنجانی قهوه بنوشم، سپس چشمم به مسجدی افتاد. با خود گفتم: اینک حقیقت را شناختم چرا به مسجد نرم و و اسلامم را اعلام ننمایم، بلا فاصله به مسجد رفته و اسلامم را اعلام نمودم. [منبع سابق ص ۱۲۵-۱۲۷]

القس إبراهیم خلیل فیلبس (إبراهیم خلیل أحمد).

ولد فی الإسكندرية عام ۱۹۱۹م نشأ نشأة مسيحية ودرس بمعاهد الإرسالية الأمريكية وحصل على دبلوم اللاهوت الإنجيلية بالقاهرة وعين قسا راعيا بأسيوط ثم رقى إلى قسيس بعشر الإرسالية السويسرية الألمانية بأسوان.

• نمونه ی دوم

کشیش ابراهیم خلیل فیلبس (ابراهیم خلیل احمد)

در سال ۱۹۱۹ م در اسکندریه به دنیا آمد و به عنوان یک فرد مسیحی بزرگ شد و در دانشکده آمریکایی به تحصیل پرداخت و دیپلم لاهوت انگلیسی در قاهره دریافت نمود و به عنوان کشیش در اسیوط انتخاب شد سپس به درجه کشیش در دهم ارسالی سویسریه آلمانی در اسوان رسید.

او در ارتباط با اسلامش میگوید: حقیقت این است که با تلاوت قرآن کریم هنگامی که به این آیه رسیدم که خداوند میفرماید: الَّذِينَ يَتَّبِعُونَ الرَّسُولَ النَّبِيَّ الْأُمِّيَّ الَّذِي يَجِدُونَهُ مَكْنُوبًا عِنْدَهُمْ فِي التَّوْرَةِ وَالْإِنْجِيلِ يَأْمُرُهُمْ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَاهُمْ عَنِ الْمُنْكَرِ وَيُحِلُّ لَهُمُ الطَّيِّبَاتِ وَيُحَرِّمُ عَلَيْهِمُ الْخَبَائِثَ وَيَضَعُ عَنْهُمْ إِصْرَهُمْ وَالْأَغْلَالَ الَّتِي كَانَتْ عَلَيْهِمْ فَالَّذِينَ آمَنُوا بِهِ وَعَزَّرُوهُ وَنَصَرُوهُ وَاتَّبَعُوا النُّورَ الَّذِي أُنزِلَ مَعَهُ أُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ کسانی که پیروی می‌کنند از فرستادهی خدا پیغمبر اسی که در تورات و انجیل نگاشته می‌یابند. او آنان را به کار نیک دستور می‌دهد و از کار زشت باز می‌دارد، و پاکیزه‌ها را برایشان حلال می‌نماید و ناپاکها را بر آنان حرام می‌سازد و فرو می‌اندازد بند و زنجیر را از ایشان به در می‌آورد. پس کسانی که به او ایمان بیاورند و از او حمایت کنند و وی را یاری دهند، و از نوری پیروی کنند که به همراه او نازل شده است، بیگمان آنان رستگارانند. [سورة الأعراف الآية ۱۵۷]

گفتم: اگر ببینم که ذکر پیامبر (ص) در تورات و انجیل آمده است، آن را به مردم ابلاغ خواهم نمود و شهادت میدهم که محمّد (ص) به حق و یقین خاتم پیامبران میباشد.

وبه تحقیق در تورات و انجیل‌های سه‌گانه از سال ۱۹۵۵ تا سال ۱۹۵۹ پرداخت تا اینکه به یقین رسید و اسلامش را آشکار نمود و در راه خداوند به جهاد پرداخت. او مؤلفات زیادی دارد از جمله:

۱) محمد(ص) فی التوراة والإنجیل والقرآن.

۲) المستشرقون والمبشرون فی العالم العربی والإسلامی

و کتابهای بسیار دیگری را نیز نوشت.

و در خاتمه بیگمان قرآن کریم و سنت پاک پیامبر(ص) مایه سعادت و خوشبختی برای کسانی هستند که به آن تمسک جویند و متخلق به اخلاق آن دو گردند، وظیفه‌ی ما در قبال قرآن و سنت پیامبر این است که به آن دو عمل کرده و متخلق به اخلاق آن شویم، پس باید بر حاکم کردن قرآن در زندگی و دیگر اعمالمان حریص باشیم همانگونه که پیشگامان این امت قبل از حفظ قرآن به آن عمل مینمودند.

وصلی اللہ علی سیدنا محمد وعلی آله وصحبه وسلم.

نویسنده: دکتر اسماعیل عبدالرحمن

ترجمه: خالد ایوبی‌نیا

دیوبندی و اندیشه

Q